

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:
« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.

عقل در فلسفه - قسمت اول

درسنامه

سوالاتی در مقدمه درس:

۱- مقصود فیلسوفان از عقل چیست؟

۲- محدوده و قلمرو آن چه اندازه است و این قلمرو چه تحولاتی را در تاریخ فلسفه طی کرده است؟

۳- امروزه عقل چه جایگاهی در فلسفه دارد؟

کاربردهای عقل:

- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال

- عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده

عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال:

عقل در این کاربرد که همان کاربرد رایج بین مردم است همان توانمندی است که به کمک آن استدلال می‌کنیم و از این طریق بهدانش‌ها و حقایقی دست می‌یابیم.

عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی‌توان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم «عالم عقل» است.

«عقل» نزد حکمای ایران قدیم

یکی از کانون‌های اولیه عقل‌گرایی و خردورزی، ایران قدیم است که اندیشمندان آن به خردورزی و فرزاندگی شهرت داشتند.

گزارش‌هایی مانند گزارش فردوسی در شاهنامه و برخی نقل‌های تاریخی و آثار مکتوب مربوط به آن دوره از چنین توجهی به عقل و خردورزی حکایت می‌کنند.

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد.

عقل در یونان باستان

هراکلیتوس:

هراکلیتوس از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می‌گوید که هم به معنای «عقل» عنوان آن حقیقت متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و کلمه؛

بنابراین، می‌توان گفت که وی به هر دو کاربرد عقل توجه داشته است.

عقل نزد این فیلسوف، همان حقیقت و وجود برتری است که جهان و اشیا ظهور او هستند، همان طور که سخن و کلمه بیانگر افکار و اندیشه‌های انسان است و آنچه را که انسان در ذهن دارد، با کلام ظاهر می‌کند و به دیگران می‌رساند.

ارسطو

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه‌ای داشت و توضیح داد که قوه عقل براساس کاری که انجام می‌دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود و براساس آن، دانش بشری نیز دو قسم می‌گردد:

عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت آب، عقل نظری نامیده می شود و دانشی که از این جهت به دست می آید، علم نظری نام دارد.

اما عقل، از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ بگوید و نباید ظلم کند، عقل عملی نامیده می شود و دانشی که از این جهت به دست می آید، علم عملی نام دارد.

عقل نزد فیلسوفان دوره جدید اروپا

وضعیت عقل در ابتدای شروع رنسانس:

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

وضعیت عقل در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا

در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

وضعیت عقل در دوره دوم حاکمیت مسیحیت در اروپا:

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

نظر و دیدگاه دکارت درباره عقل:

دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. البته او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.

نظر و دیدگاه اوگوست کنت درباره عقل:

اوگوست کنت در قرن نوزدهم، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.

الف) سوالات کامل کردنی :

- ۱- از فیلسوفان به عنوان مهم ترین مدافعان یاد می کنند. آنان وجه تمایز انسان از حیوان را همین می دانند. (عقل-عقل)
- ۲- منظور ارسطو از ناطق، وقتی که انسان را به «حیوان ناطق» تعریف می کند، همان است. (عاقلم)
- ۳- توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم. (عقل)
- ۴- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقلی در کودک به صورت است؛ با تربیت و تمرین به می رسد. (بالتوه-فعالیت)
- ۵- کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از و مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. (ماده-جسم)
- ۶- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوامل دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. یکی از این عوامل «.....» است. (عالم عقل)
- ۷- فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات از ماده و جسم اند که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند. (فرشتگان-مجرد)
- ۸- فیلسوفان الهی معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را «.....» می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند. (شهود)
- ۹- فیلسوفان الهی همچنین معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از عقل را دارد؛ یعنی می تواند با به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد استدلال برخوردار است، (تهذیب نفس)
- ۱۰- در میان فیلسوفان یونان باستان، از حقیقتی به نام «.....» سخن می گوید که هم به معنای عقل است و هم نطق (هراکلیتوس- لوگوس)
- ۱۱- از نظر اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند. (هراکلیتوس)
- ۱۲- به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت و توضیح می داد که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به عقل و عقل تقسیم می شود. (ارسطو-نظری-عملی)
- ۱۳- انسان را با مفهوم «.....» تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست. (ارسطو-حیوان ناطق)

۱۴- در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در..... با حاکمیت رقم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد. (تقابل- کلیسا)

۱۵- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن را عامل تضعیف می دانستند. (عقل-ایمان)

۱۶- البته در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد؛ به گونه ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته «.....» و «.....» تقسیم شدند. (عقل گرا- تجربه گرا)

۱۷- روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست. (فرانسیس بیکن-تجربی)

۱۸- که با به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. (دکارت-ریاضیات)

۱۹- از نظر عقل فقط از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود. (اوگوست کنت)

۲۰- اوگوست کنت، فیلسوف تجربه گرای قرن نوزدهم، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً خواند. (ذهنی)

۲۱- امروزه عقل در اروپا، به عقل تقلیل پیدا کرده و ردّ و اثبات منطقی و عقلی به حوزه محدود شده است. (تجربی - ریاضیات)

ب) سوالات کشف ارتباط:

الف: سوالات	ب: پاسخ ها
۱- مهم ترین مدافعان عقل	الف) حیوان ناطق = ۴
۲- روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست	ب) عقل گرا- تجربه گرا = ۹
۳- از نظر او عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند.	ج) شهود = ۱۰
۴- تعریف فلسفی انسان است	د) فلاسفه = ۱
۵- از نظر او اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.	ک) بالقوه = ۸
۶- عقلی که انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود از نظر افلاطون	ل) فرانسیس بیکن = ۲

۶- فیلسوفان الهی معتقدند که عقول (فرشتگان) با حقایق اشیا این گونه علم پیدا می کنند.	(م) عقل کل=۶
۸- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقلی در کودک به صورت ان است؛	(ه) هراکلیتوس=۵
۹- فیلسوفان اروپا به این دو دسته تقسیم شده اند.	(و) کانت=۳

ج) گزاره های فلسفی صحیح و غلط:

- ۱- امروزه عقل در اروپا، به عقل تجربی تقلیل پیدا کرده و ردّ و اثبات منطقی و عقلی به حوزه ریاضیات محدود شده است. (ص)
- ۲- فرانسویس بیکن روش عقلی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست (غ)
- ۳- فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. (ص)
- ۴- پس از شکل گرفتن مفاهیم کلی است که انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدا می کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد. (ص)
- ۵- فیلسوفان الهی معتقدند که علم فرشتگان از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم است. (غ)
- ۶- عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را «شهود» می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند. (ص)
- ۷- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقلی در کودک به صورت بالفعل است؛ با تربیت و تمرین به بالقوه می رسد. (غ)
- ۸- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقلی در کودک به صورت بالقوه است؛ با تربیت و تمرین به فعلیت می رسد. (ص)
- ۹- منظور ارسطو از ناطق، وقتی که انسان را به «حیوان ناطق» تعریف می کند، همان عاقل است. (ص)
- ۱۰- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را عقل می دانند. (ص)
- ۱۱- ارسطو انسان را با مفهوم «حیوان ناطق» تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان بیان و سخن گفتن بود بود ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست. (غ)
- ۱۲- فرانسویس بیکن روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست. (ص)

د) سوالات تشریحی :

۱- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را در چه چیزی می دانند؟

عقل

۲- عقل را تعریف کنید.

عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می‌کنیم و از این طریق به دانش‌ها و حقایق دست می‌یابیم.

۳- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقلی در کودک به چه صورت است و بعد تربیت و تمرین به چه صورت می‌شود؟

از نظر فیلسوفان، توانمندی عقلی در کودک به صورت بالقوه است؛ با تربیت و تمرین به فعلیت می‌رسد.

۴- فیلسوفان الهی چه چیزی را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می‌شمارند؟

فیلسوفان الهی قوه استدلال را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می‌شمارند.

۵- هر اکلیتوس از عقل تحت چه نامی یاد کرده است؟ و به چه معنا است؟

در میان فیلسوفان یونان باستان، هر اکلیتوس از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می‌گوید که هم به معنای عقل است و هم نطق.

۶- دو کاربرد عقل در فلسفه را بنویسید.

عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می‌کنیم و از این طریق به دانش‌ها و حقایق دست می‌یابیم.

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند.

۷- عالم عقل چیست؟

بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی‌توان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم «عالم عقل» است.

۸- فرشتگان از نظر فلاسفه چه موجوداتی هستند؟

فیلسوفان الهی می‌گویند بسیاری از فرشتگان که در کتاب‌های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم اند که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می‌کنند.

۹- علم فرشتگان (عقول) از چه طریقی است؟

فیلسوفان الهی معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را «شهود» می‌کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۰- نظر فیلسوفان درباره روح انسان و توانایی آن چیست؟

فیلسوفان الهی همچنین معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه‌ای از عقل را دارد؛ یعنی می‌تواند با تهذیب نفس به مرتبه‌ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون عقول، بسیاری از حقایق را شهود کند.

۱۱- نقش مفاهیم کلی در علم آموزی انسان را بنویسید.

پس از شکل گرفتن مفاهیم کلی است که انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدا می‌کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می‌سازد .

۱۲- دیدگاه و نظریات ارسطو پیرامون عقل را بنویسید.

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه‌ای داشت و توضیح می‌داد که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می‌دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود.

ارسطو انواع استدلال ها را در بخش منطق آثار خود تدوین کرد؛ استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.

ارسطو انسان را با مفهوم «حیوان ناطق» تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود ارسطو عقل را ذاتی انسان می‌دانست.

۱۳- وضعیت عقل در ابتدای شروع رنسانس را بنویسید.

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

۱۴- وضعیت عقل در در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) چگونه بود؟

در حالی که قبل از آن، به خصوص در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می‌ایستادند و می‌گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

۱۵- وضعیت عقل در در دوره دوم حاکمیت مسیحیت در اروپا در قرن های یازدهم تا سیزدهم چگونه بود؟

البته در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۶- چه عاملی در دوره حاکمیت دوم کلیسا باعث حاکمیت عقل در برابر دین شد؟

در قرن های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۷- نظر و برخورد فرانسیس بیکن درباره عقل چه بوده است؟

فرانسیس بیکن روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست. از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

۱۸- نظر و دیدگاه دکارت درباره عقل را بنویسید.

دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. البته او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.

به کار ببندیم

با توجه به نکاتی که در این درس ارائه شده، است، محدوده عملیات عقل را نزد فیلسوفان زیر بیان کنید.

۱- ارسطو	انسان حیوان ناطق است، یعنی حیوانی است که تعقل و تفکر می کند. او دارای عقل نظری و عملی است. با عقل نظری هم جهان طبیعت و هم ماوراء طبیعت را می شناسد و با عقل عملی کارهای مربوط به زندگی را تنظیم می کند.
۲- بزرگان اولیه کلیسا	عقل توانایی ورود به حوزه دین را ندارد. مفاهیم اصلی دین برتر از فهم عقل است. دین، ایمان می خواهد، نه معرفت عقلانی.
۳- بیکن	ما باید به دنبال عقل تجربی برویم تا پیشرفت کنیم. عقل محض و قیاسی کارساز نیست.
۴- دکارت	عقل هم به صورت مستقل از تجربه می تواند به حقیقت برسد و هم از طریق تجربه.
۵- اوگوست کنت	فیلسوفان به دنبال عقلی رفته اند که ناظر بر واقعیت نیست. عقل، صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل شود، به نتیجه می رسد. واقعیت، فقط همین امور مادی است که از طریق حس و تجربه به ما می رسد.

